

سرآغاز

به نام آن که در ما گفتن آموخت به انسان دُرّ معنی سُفتن آموخت
معناشناسی و تفسیر متون فلسفی، دینی، و حقوقی، پیوندی عمیق با ماهیت «معنا» دارند.
رمزگشای اسرار این سنخ متون پیچیده آن است که پیشتر معلوم باشد اساساً «معنا» چیست و در
کجاست؟ آیا یک واقعیت معنایی داریم یا معانی متعدّدند؟ در کنار این دو پرسش، مسئله
معناداری و ملاک اثبات آن در عصر علم‌گرایی اهمیت یافت. نسبت «زبان» و «معنا» با «واقعیت»،
زاویه مکمل این پازل است که به دنبال بررسی کردن مسئله حکایت و روش تحقیق واقع و به
دست دادن معیار صدق گزاره‌هاست.

نقطه اتصال این مسائل آنجاست که همه آنها متعلق به حوزه دانش‌های فلسفی زبانی‌اند.
بر مسائل این حوزه در روزگار ما آن‌گونه توجه می‌شود که علوم گوناگونی چون زبان‌شناسی
و فلسفه زبان، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، نقد ادبی، و حتی روان‌شناسی و فلسفه را معطوف
خود ساخته‌اند.

سنخ این پژوهش و مسائل بررسی شده در آن، از جنس فلسفه زبان یا زبان‌شناسی فلسفی
است. ۱. چیستی معنا و نظریه‌های معنایی؛ ۲. تفحص در ظرف ثبوتی (وجودی) معنا (معنا در
کجاست؟ واژه، ساختار، یا متن، در اندیشه متکلم یا ذهن مخاطب؟)؛ ۳. معناداری و ملاک آن
که از زیرشاخه‌های نظریه معناسی؛ ۴. و مباحث مربوط به حکایت و صدق که رابطه زبان و
جهان بیرون از زبان را مطالعه می‌کند، جملگی از مسائل حوزه فلسفه زبان و زبان‌شناسی
فلسفی‌اند. به طبع این بخش از معناپژوهی فلسفی منطقی، زیربنای مسائل حوزه معرفت‌شناسی
معناسی که شامل معناشناسی زبانی (سمانتیک) و کاربردشناسی فلسفی (پراگماتیک) و نیز
هرمنوتیک است.

هدف

این نوشتار در نظر دارد زوایای گوناگون مسئله معنا، واقعیت و معرفت را با نظر به گزاره‌ها و متون دینی بررسی کند. بدین‌روی، ایضاح امور ذیل را می‌توان هدف این پژوهش در نظر داشت:
 یک؛ بررسی مسئله معنا و تلاش در به دست دادن دیدگاهی موجّه در ماهیت همه‌جانبه آن؛
 دو؛ تبیین موطن معنا و ظرف وجودی آن و اثبات هستی معنا در نشانه‌های زبانی و بسترهای فرازبانی؛

سه؛ تبیین سازوکار معناداری جملات و گزاره‌های متافیزیکی و دینی و به‌ویژه عبارت‌های قرآن کریم، به مثابه متن وحیانی پروردگار متعال؛
 چهار؛ تبیین واقع‌گرایی و روش تحقیق در گزاره‌های متافیزیکی دینی و ارزیابی چالش‌های ناظر به حوزه معرفت‌بخشی این سنخ گزاره‌ها؛
 پنج؛ بررسی چگونگی تحصیل یقین در گزاره‌های دینی و مناط صدق این نوع گزاره‌ها.

ضرورت

اهمیت مطالعات زبانی و معناپژوهی به خود «معنا» بازمی‌گردد؛ زیرا هیچ زبانی نمی‌تواند بدون «معنا» وجود خارجی داشته باشد. امروزه دیدگاه‌های مختلفی در تعریف «معنا» وجود دارند. بی‌شک گزینش هر یک از این نظریه‌ها می‌تواند جهت‌بخش معرفت دینی و ترسیم‌کننده روش دستیابی به معنای متون دینی باشد. همچنان که شیوه‌های گوناگون تفسیری نحله‌های مختلف نیز صرف‌نظر از گرایش‌های فرقه‌ای و ویژگی‌های شخصی و توانمندی‌های فردی، به دیدگاه مبنایی آنان نسبت به معنای قرآن، ارتباط می‌یابد. از این‌رو، مطالعه و راهبرد صحیح ماهیت معنا، و ظرف وجودی آن، واقعیت مورد نظر در گزاره‌های دینی و طریق اثبات و مناط صدق آنها، از جمله مسائل مبنایی هستند که تأثیری چشمگیر در زیرساخت معرفت دینی و اندیشه اسلامی و معناشناسی متون دینی کتاب و سنت بر جای می‌نهند.

نوآوری‌ها

شاید این نکاتِ مطمح نظر نگارنده، درخور توجه پژوهشگران باشد:
 ۱. رویکرد اقلیم‌شناختی به جغرافیای مسائل گوناگون حوزه معنا، و استخراج و تفکیک مسائل این عرصه علمی میان‌رشته‌ای که امروز نقشی بسزا در معرفت دینی دارند؛

۲. رویکرد ایجابی به مسائل قلمرو معنا، واقعیت و معرفت، در پیوند با گزاره‌های دینی و طرح‌انگاره‌های بدیل در مقابل نظریه‌های رقیب؛

۳. نگرش تطبیقی در مسائل حوزه پژوهش با طرح و بررسی رهیافت‌های علمی، فلسفی و زبان‌شناختی دنیای معاصر از یک‌سو، و بهره‌گیری از میراث علمی، فلسفی (عقلی)، اصولی (عقلایی) و اتکا بر مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی توحیدی اندیشمندان مسلمان از سوی دیگر در تحلیل مسائل و ابداع رأی.

در پایان خدای متعال را بی‌نهایت سپاس که این ناتوان را توفیق عنایت فرمود تا همنشین علم و اندیشه باشم، از خرمن دانش فرزندگان عالم خوشه بگیرم و هرچند کوچک، در مسیر فهم و خردورزی گامی بردارم. نیز از گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که زمینه انجام این پژوهش را فراهم آورد و همه کسانی که در انجام این دفتر مرا یاری رسانده‌اند قدردانی می‌کنم. و فرهیختگان ارجمند جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر واعظی و جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر شریفی را، تقدیر ویژه می‌دارم به پاس نکته‌سنجی‌های ارزشمندی که منت نهادند. الحمد کله لله.

محمدباقر سعیدی روشن

شهر مقدس قم

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دی‌ماه ۱۳۹۶ ش